نگاهی به پرونده چارلز مانسون مخوف ترین جنایتکار دنیا

دستـــــور قتل

«مانسون» که فرزند نامشروع یک زن ۱۶ ساله بود، نوامبر ۱۹۳۴ در امریکا به دنیا آمد. او پس از پشت سر گذاشتن یک زندگی پر فراز و نشیب راهی پرورشگاه های مختلف شد. در نوجوانی هم به دلیل ارتکاب سرقت و جرائم مشابه بارها زندانی شد. او در جوانی با چند تبهکار دیگر گروهی را راه اندازی کرد که با تفکر و عقاید پوچ گرایانه مرتکب جنایت های مختلف و فجیع شدند. آنها در نخستین جرم جنایی خود یک مرد سیاهپوست را هدف گلوله قرار دادند. بعد هم به تصور این که او کشته شده است از ترس شناسایی و دستگیری زندگی مخفیانه‌ای در پیش گرفتند.

[محمود رافع/ بخش دوم]

اندک زمانی پس از نخستین حادثه، دومین شوک به اعضای گروه «مانسون» وارد شد. این شوک، مربوط به قتل یکی از بازیگران هالیوود به نام « بابی بیسولیل » بود. هنرپیشه ۲۱ ساله اگرچه بازیگر مشهور و مطرحی نبود اما در چندین فیلم و تئاتر به ایفای نقش پرداخته بود.

«بابی» در کنار حرفه هنرپیشگی، یک فروشنده خرده پای مواد مخدر هم بود که شراکت و همکاری مختصری هم در این زمینه با افراد مانسون داشت. یک روز صبح بابی مهمان مزرعه «مانسون» بود، که چند جوان عصبانی به ملاقاتش رفته و ادعا کردند موادی که از بابی خریده اند قلابی بوده و آنها را مریض کرده است، به همین خاطر آمده بودند که پول خود را از بابی پس بگیرند. جوان های عصبانی، مانسون و بابی را تهدید کرده و به طرف شان اسلحه کشیدند و بعد از کمی جار و جنجال، در حالی مزرعه را ترک کردند که داد می زدند: «فردا برای پس گرفتن پول برمی گردیم.» پس از رفتن آنها، بابی به مانسون گفت که ادعای این اراذل کذب محض است چون مواد را از یکی از دوستان صمیمی خود به نام «هینمان» خریده بوده و به او هم اطمینان کامل دارد. اما مانسون اصرار داشت که هینمان به او نارو زده است و نباید به این نوع دوستی ها اعتماد کند. غروب همان روز بابی به همراه دو نفر از افراد گروه «مانسون»

برای صحبت با «هینمان» به آپارتمان او رفت. دو نفری که همراه بابی رفتند، «سوزان اتکینز» و «ماری برونر» بودند. هینمان که یکی از دوستان قدیمی بابی بود، دستی هم در موسیقی داشت و شهرتی از این راه به هم زده بود و به دلیل همین شهرتش بود که سوزان و ماری مشتاق بودند او را ببینند و از این رو بابی را همراهی کردند.

موقعی که این سه نفر به خانه «هینمان» رسیدند او را در حالتی غیرطبیعی دیدند که به میهمانانش ناسزا می گفت و در جواب بابی هم که از او درباره کیفیت مواد می پرسید جواب سر بالا می داد. در پاسخ به اصرار بابی برای بازگرداندن پول مواد هم گفت که هیچ پولی در بساط ندارد. بابی که از این وضعیت کلافه شده بود و تحمل شنیدن حرف های «هینمان» را نداشت اسلحه ای را از

چند روز بعد، پلیس جنازه هینمان را در آپارتمانش کشف کرد. آنچه پلیس بعد از کشف جسد و بازبینی، در صورتجلسه خود نوشت این بود که: «هینمان با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است و سه روز از مرگش می گذرد.»

جیبش درآورد و دو گلوله به سقف شلیک کرد. بعد کلت را به دست «سوزان» داد و از او خواست اگر «هینمان» از جایش تکان خورد به طرفش شلیک کند. همان موقع هم خودش به سراغ اتاق ها و کمدها رفت تا ببیند اگر پولی هست بردارد. موقعی که بابی در اتاقی دیگر بود، «هینمان» به طرف «سوزان» یورش آورد و توانست اسلحه را به زور از او بگیرد. در این میان برونر که حسابی وحشت زده شده بود به مانسون تلفن زد و خیلی مختصر و آهسته، شرح ماوقع را یکی دیگر از اعضای گروه به نام «گری دیویس» به طرف خانه «هینمان» حرکت کرد. گری مسلح به تفنگ بود و مانسون فقط یک خنجر بزرگ همراه داشت. وقتی بابی از اتاق خارج شد تفنگ را در دست «هینمان» دید که آن را به سوی سوزان نشانه رفته بود. بابی از پشت به هینمان یورش آورد و با هم گلاویز شدند. در همین موقع یک تیر هم از اسلحه خارج شد که به دیوار خورد. «بابی» و «هینمان» بعد از کلی کلنجار رفتن با هم و بعد از آن که در جریان این گلاویز بودن، رفاقت شان را به هم یادآوری کردند به توافق رسیدند که «هینمان» یکی از دو خودرواش را در ازای پول مواد قلابی به بابی بدهد. اما قضایا به نحوی دیگر پیش رفت. مانسون به خانه هینمان رسید و در زد. بابی در را باز کرد و مانسون به کی خبر از توافق آن دو بود یا عصبانیت، با خنجری که در دست داشت به طرف هینمان حمله کرد و ضربه ای به صورت «هینمان» کوبید و او را بشدت مجروح کرد. مانسون و گری بلافاصله از آنجا گریختند. بابی، اتکینز و برونر وقتی خونریزی شدید هینمان را دیدند تصمیم گرفتند زخمش را با پارچه ببندند اما جراحت وارد شده بر هینمان خیلی عمیق تر و جدی تر از آن بود که با یک باندپیچی سطحی و سرپایی بهبود یابد. از همین رو بابی با مانسون تماس گرفت و به او گفت که آن زخم خنجر و خونریزی ناشی از آن خیلی عمیق است. مانسون در جواب به او گفت «فکر کنم می دانی اگر من به جای تو بودم چه کار می کردم. تو هم همان کار را بکن. یعنی قتل!».

بابی که هنوز مردد بود چه تصمیمی بگیرد، وقتی تصور کرد که «هینمان» در صورت زنده ماندن بلافاصله سراغ پلیس خواهد رفت، بر تردیدهایش غلبه کرد و با ضربات پیاپی چاقو، او را به قتل رساند و مثل صحنه های فیلم های خشن هالیوودی، با خون هینمان روی دیوار آپارتمانش شعارنویسی کرد. سپس بابی و برونر و اتکینز سوار بر دو ماشین هینمان ـ فولکس واگن و یک فیات ـ از محل جنایت گریختند.

چند روز بعد، پلیس جنازه هینمان را در آپارتمانش کشف کرد. آنچه پلیس بعد از کشف جسد و بازبینی، در صورتجلسه خود نوشت این بود که «هینمان با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است و سه روز از مرگش می گذرد.»

روز ششم آگوست همان سال، بابی هنگام رانندگی با ماشین فیات هینمان، به اتهام ارتکاب با مشارکت احتمالی در قتل بازداشت شد. پلیس هم در بازرسی ماشین، چاقویی ـ آلت قتاله ـ را در صندوق عقب ماشین کشف کرد.

دو، سه روز بعد نیز، خبر بازداشت او به گروه «مانسون» رسید. طبق اظهارات بازپرس آنها پس از شنیدن خبر تصمیم گرفتند به هر شکل ممکن بابی را نجات دهند. در نهایت نقشه کشیدند مرتکب قتل های مشابه شوند تا از بابی رفع اتهام شود و پلیس به این نتیجه برسد که بابی، قاتل نیست. آنها حتی تصمیم گرفتند به همان شیوه با خون قربانیان، شعارهایی روی در و دیوار محل های جنایت بنویسند. اما قبل از عملی کردن این نقشه تصمیم گرفتند روحیه از دست رفته خود را تقویت کنند، به همین خاطر پس از پایکوبی برای خرید به بازار رفتند اما هنگام استفاده از کارت های اعتباری سرقتی باز هم شوک دیگری به آنها وارد شد چون پلیس دو تن از آنها - ماری برونر و ساندرا گود - را به اتهام استفاده از کارت های اعتباری مسروقه بازداشت کرد.

این بازداشت ها خشم اعضای شبکه «مانسون» را به همراه داشت و آنها را مصمم کرد نقشه شوم خود را تحت هدایت مانسون اجرا کنند. مانسون به خوبی می دانست که با این تصمیم، حتی اگر خودش هم مرتکب هیچ قتلی نشود در صورت دستگیری به حبس ابد محکوم خواهد شد. به همین دلیل از «تکس واتسون» خواست که او هدایت عملیات را به عهده بگیرد. مانسون به «تکس» گفته بود که: «تو جانت را مدیون من هستی چون تو را از مرگ حتمی در موقع درگیری با آن تاجر سیاهپوست نجات دادم (آنها در زمان این بحث، گمان می کردند که تاجر سیاهپوست را به قتل رسانده اند). پس از آن هم باید شبکه را هدایت کنی!»

● قتل های وحشیانه تیت - لابیانا

غروب ۹ اوت ۱۹۶۹ سرآغاز قتل هایی بود که جهان را در بهت و حیرت جانی ها فرو برد.

طبق اعترافات «تکس»، مانسون به وی توصیه کرده بود که برای اجرای نقشه شوم خود از محله سیه لو کار خود را آغاز کنند چرا که او قبلاً با این محله آشنایی داشت و به آنجا رفت و آمد می کرد. دلیل دیگر این توصیه، آن بود که محله «سیه لو» در منطقه ای نسبتاً دورافتاده و خلوت قرار داشت. در آن غروب وحشت زا، «تکس واتسون» به همراه سه عضو دیگر گروه به نام های «کاسابین»، «اتکینز» و «کرنوینکل» سوار بر ماشین فورد یکی از افراد مزرعه راهی محل مورد نظر شدند که قرار بود سرآغاز جنایات این باند مخوف باشد. از این جمع چهار نفره، «کاسابین» رانندگی را به عهده داشت چرا که اوتنها عضو گروه بود که گواهینامه رانندگی داشت. تجهیزات قاتلان هم یک اسلحه، چندین کارد و خنجر و قمه، یک طناب بلند و محکم و مقداری لباس برای تعویض پس از ارتکاب قتل بود.

آنها هنگامی که به خیابان سیه لو رسیدند ماشین را متوقف کردند. «واتسون» یک انبر از صندوق عقب ماشین برداشت و به طرف در ورودی خانه مورد نظر رفت و سیم تُلفن را قطع کرد. سپس به طرف ماشین برگشت و آن را انتهای کوچه پارک کرد. او طنابی را که با خود آورده بود روی دوشش انداخت. اسلحه اش را برداشت و به افراد گروه اشاره کرد که دنبالش بروند.

جنایتکاران تا ورودی خانه رفتند اما همانجا از ترس این که مبادا در ورودی، سیستم امنیتی یا دوربین مداربسته ای کار گذاشته شده باشد، تصمیم گرفتند از دیوار وارد شوند. در همین میان، چراغ های ماشینی را دیدند که به طرف آنها می آمد. بلافاصله همه افراد گروه، با دیدن نور ماشین، پشت درختچه های کنار دیوار مخفی شدند. در همین حین واتسون به طرف ماشین رفت و در حالی که اسلحه را به سوی راننده نشانه رفته بود فریاد زد «ایست!».

راننده که از ساکنین همان محله بود با دیدن اسلحه واتسون، رنگ از رخش پرید و با صدای لرزان، هی تکرار می کرد «نه! لطفاً کاری به من نداشته باش! نه! تو رو خدا شلیک نکن...». ولی واتسون، بی اعتنا به التماس های جوان نوزده ساله - استیون پارنت - چهار گلوله به سر او شلیک کرد.

ادامه دارد

کودکان امریکایی قربانیان اصلی جنایتکاران

کودکان امریکایی نسبت به کودکان سایر جوامع در معرض خطرات بیشتری از سوی مجرمان مسلح هستند. به همین خاطر هم به صورت میانگین روزانه هشت کودک امریکایی قربانی می شوند.

براساس آمارها در سال ۲۰۰۲، سه هزار و ۱۲ کودک و نوجوان در امریکا هدف گلوله قرار گرفته و کشته شدند. می توان گفت هر سه ساعت، یک کودک و هر روز هشت کودک و هر هفته بیش از ۵۰ کودک طی یک سال قربانی اهداف شوم جنایتکاران شده اند.

در اینجا طی چند مبحث جداگانه به تحلیل آماری جرایم مسلحانه در امریکا می پردازیم.

● امنیت مدارس

بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ دست کم ۲۲۰ مدرسه با وقایع خشونت بار مواجه شده و در این حوادث ۲۵۳ نفر کشته شدند که ۷۴/۵ درصد حوادث مسلحانه و ۶۰ درصد تلفات ناشی از خشونت های مسلحانه بود.

در سال تحصیلی ۹۹ و ۹۸ سه هزار و ۵۲۳ دانش آموز به خاطر آوردن اسلحه به مدرسه اخراج شدند. این رقم در سال تحصیلی ۹۷ و ۹۶ حدود پنج هزار و ۷۲۴ نفر بود.

تقریباً ۸ درصد کارکنان مدارس شهرها و دبیرستان ها دست کم در ماه یک روز را از ترس جانشان در محل کارشان حاضر نشدند.

انجمن ملی مدارس امریکا برآورد کرد در سال ۱۹۹۳ روزانه بیش از ۱۳۵ هزار قبضه اسلحه به مدرسه ها برده شده است.

● کودکان و خشونت های مسلحانه

در امریکا کودکان زیادی قربانی خشونت های مسلحانه می شوند. به همین خاطر بین سال های ۱۹۷۹ و ۲۰۰۱ بیش از ۹۰ هزار کودک و نوجوان هدف گلوله قرار گرفتند.

در این سال، قربانیان خشونت های مسلحانه امریکا بیش از مبتلایان به سرطان، سینه پهلو، آنفلوآنزا و ایدز بودند.

میزان مرگ و میرهای ناشی از جرایم مسلحانه برای کودکان زیر ۱۵ سال در امریکا نیز ۱۲ برابر ۲۵ کشور صنعتی دنیا در این سال بود.

● خشونت های مسلحانه

روزانه بیش از ۸۰ امریکایی قربانی خشونت های مسلحانه می شوند.

این در حالی است که کودکان امریکایی نسبت به کودکان ۲۵ کشور صنعتی دنیا، ۱۶ برابر بیشتر با اسلحه به قتل می رسند، ۱۱ برابر با اسلحه خودکشی می کنند و ۹ برابر در شلیک های اتفاقی جان می بازند.

● سلاح در دست های پلید

در سال ۲۰۰۳ گزارشی از سوی سازمان مبارزه با جرایم مسلحانه ارائه شد که نشان می داد ۲۰ قانون از ۲۲ قانون تصویب شده در خصوص سلاح اجرا نمی شود و تنها به دو درصد جرایم مسلحانه تا آخرین مرحله قانونی رسیدگی می شود. ۸۵ درصد رسیدگی به جرایم مسلحانه مربوط به جرایم خیابانی و حمل سلاح بود. قوانین مربوط به مجازات قاچاقچیان اسلحه، سرقت های مسلحانه و موارد مشابه هم به طور کامل اجرا نمی شد. نظارت دقیق بر مجوزهای حمل اسلحه صورت نمی گرفت. در این هرج و مرج بازار کسی نبود که به فروش اسلحه به افراد زیر سن قانونی نظارت داشته باشد. از همین رو، آمار جرایم مسلحانه در این کشور سر به فلک کشید.

تحقیقات نشان می دهد بین سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ یک درصد سلاح های فروخته شده در فروشگاه ها ۵۷ درصد جرایم مسلحانه از جمله قتل، کودک ربایی و خشونت ها را رقم می زنند.

آمارها هم حکایت از آن دارند، که طی ۱۰ سال گذشته یک میلیون و ۷۰۰ هزار قبضه اسلحه سرقت شده و تنها ۴۰ درصد از این رقم کشف شده است. حال آن که ۸۰ درصد سرقت های اسلحه از خانه ها و خودروها صورت گرفته است.

در این میان ۳۶ تا ۵۰ درصد مردهای امریکایی نیز بر این باورند هر وقت اراده کنند می توانند به راحتی سلاح به دست آورند.

۶۰ درصد دانش آموزان پسر دبیرستانی و ۳۱ درصد بچه های راهنمایی نیز مدعی شده اند که به راحتی می توانند برای خود اسلحه تهیه کنند.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

اطلاعیه

مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار

مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار در راستای نیل به اهداف خود که همانا حفظ و صیانت نیروی انسانی و ارتقاء فرهنگ و دانش ایمنی و بهداشت کار در جوامع صنعتی می‌باشد، اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی طبق جدول ذیل در شش ماهۀ اول سال جاری نموده است. لذا بدینوسیله از کارکنان واجد شرایط شرکت‌ها و مؤسسات سطح کشور و یا اشخاص حقیقی علاقه مند دعوت بعمل می‌آید تا با در دست داشتن مدارک ذیل در دوره‌های مورد نیاز حضور یابند. در پایان به شرکت‌کنندگانی که شرایط لازم را احراز نمایند گواهینامهٔ معتبر طی دورهٔ آموزشی اعطاء خواهد شد.

ردیف	عنوان دوره	کد دوره	مدت دوره (ساعت)	زمان اجرای دوره	هزینه دوره (ریال)	شرایط شرکت‌کنندگان	نوع دوره
۱	اصول ایمنی و بهداشت کار	۱۰۴	۴۰	۲/۲۱ لغایت ۲/۲۵	۷۴۶/۰۰۰	سرپرستان و کارشناسان ایمنی و بهداشت کار	عمومی
۲	اصول آتش‌نشانی	۱۰۳	۴۰	۲/۲۸ لغایت ۳/۱	۷۴۶/۰۰۰	اعضای تیم آتش‌نشانی و مسئولین ایمنی و بهداشت کار	عمومی
۳	ایمنی دیگ‌های بخار و ظروف تحت فشار	۲۰۱	۲۰	۳/۴ لغایت ۳/۷	۱۲۰/۰۰۰	کارشناسان و مسئولین ایمنی و بهره‌برداری دیگ‌های بخار	تخصصی
۴	وسایل حفاظت فردی	۱۰۴	۲۰	۳/۱۹ لغایت ۳/۲۲	۸۸/۰۰۰	کارشناسان و مسئولین ایمنی و بهداشت کار	عمومی
۵	مستندسازی و تشریح الزامات سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت کار(OHSAS ۱۸۰۰۱)	۲۰۴	۳۰	۳/۲۵ لغایت ۳/۲۸	۱۸۰/۰۰۰	مدیران ، کارشناسان و مسئولین ایمنی و بهداشت کار	تخصصی
۶	ایمنی انبار	۲۱۲	۲۰	۴/۱ لغایت ۴/۴	۱۲۰/۰۰۰	کارشناسان و مسئولین ایمنی و بهداشت کار وانبارداران	تخصصی
۷	مدیریت شرایط اضطراری	۲۱۷	۲۰	۴/۲لغایت ۴/۵	۱۲۰/۰۰۰	متخصصان و کارشناسان ایمنی و بهداشت کار و مدیران	تخصصی
۸	شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک	۲۰۷	۲۰	۴/۸ لغایت ۴/۱۱	۱۲۰/۰۰۰	مدیران، متخصصان و کارشناسان ایمنی و بهداشت کار	تخصصی
۹	کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار	۱۰۵	۲۰	۴/۱۶ لغایت ۴/۱۹	۸۸/۰۰۰	اعضای کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار	عمومی
۱۰	ارزیابی و کنترل آلایندهای زیست محیطی(ISO۱۴۰۰۱)	۲۱۹	۲۰	۴/۲۲ لغایت ۴/۲۵	۱۲۰/۰۰۰	کارشناسان و مسئولین ایمنی و بهداشت کار- سرپرستان و کارکنان حمل و نقل سایع	تخصصی
۱۱	ایمنی کار با جرثقال‌ها	۲۱۸	۲۰	۴/۲۹ لغایت ۵/۱	۱۲۰/۰۰۰	کارشناسان ایمنی و مسئولین ایمنی و اپراتورهای جرثقال‌ها	تخصصی
۱۲	ایمنی برق	۲۰۲	۲۰	۵/۵لغایت ۵/۸	۱۲۰/۰۰۰	کارشناسان ایمنی و سرپرستان و برق‌کاران	تخصصی
۱۳	مبانی ایمنی وبهداشت کار	۱۰۱	۸۰	۵/۱۲ لغایت ۵/۲۳	۳۵۲/۰۰۰	مدیران، سرپرستان، کارشناسان و اعضای کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار	عمومی
۱۴	معیزی در سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت کار(OHSAS ۱۸۰۰۱)	۲۱۵	۲۰	۵/۱۳ لغایت ۵/۱۶	۱۲۰/۰۰۰	مدیران، متخصصان و کارشناسان ایمنی و بهداشت کار	تخصصی
۱۵	ایمنی کار با مواد شیمیایی	۲۱۳	۲۰	۶/۲ لغایت ۶/۵	۱۲۰/۰۰۰	کارشناسان و مسئولین ایمنی و بهداشت کار- کارکنان بخش مواد شیمیایی صنایع	تخصصی
۱۶	آموزش علمی- کاربردی ایمنی و بهداشت کار از طریق بازدید از فرهنگسرای دائمی مرکز	۱۰۹	۴	در طول سال با هماهنگی قبلی	به ازاء یک گروه ۲۵ نفره ۶۰۰۰۰۰ ریال	سطوح مختلف نیروی انسانی مواد	عمومی
۱۷	آموزش علمی- کاربردی ایمنی و بهداشت کار در محل صنعت	۱۰۸	۴	در طول سال با هماهنگی قبلی	به ازاء یک گروه ۲۵ نفره ۷۲۵۰۰۰ ریال	سطوح مختلف نیروی انسانی مواد	عمومی

مدارک مورد نیاز:
۱- معرفی‌نامهٔ رسمی از شرکت محل کار متقاضی (یا اشخاص حقیقی با درخواست کتبی قبل از شروع دوره)
۲- عکس ۴ × ۳ پشت‌نویس شده ۲ قطعه
۳- تصویر صفحه اول شناسنامه
۴- تصویر مدرک تحصیلی
۵- تصویر کارت ملی(پشت و رو)
۶- اصل رسید بانکی مبنی بر واریز هزینهٔ دوره به شماره حساب ۹۰۰۳۷ بانک ملی ایران شعبه سه راه ساوه(کد ۱۱۵۲) به نام مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار

لازم به ذکر است که این مرکز مجوز به تسهیلات رفاهی می‌باشد و در صورت نیاز به استفاده از امکانات رفاهی می‌بایست قبل از برگزاری دوره متقاضیان با آموزش مرکز جهت هماهنگی‌های لازم تماس حاصل فرمایند.

«برای آگاهی از خدمات آموزشی و پژوهشی این مرکز می توانید به سایت وزارت کار (www.Irimsa.ir/fixinfo/markaztahghighat) مراجعه و یا مکاتبات خود را از طریق (E.mail: tahghighat_setad@irimsa.ir) ارسال نمائید.»

نشانی: تهران - بزرگراه آیت‌الله سعیدی - چهارراه باغت‌آباد - بلوار معلم - نرسیده به میدان معلم
تلفن ۲۲ و ۶۶۶۹۷۷۱۱ - ۶۶۶۳۱۰۴۷ دورنگار ۶۶۶۳۱۰۵۰

دانشگاه الزهرا
کلاس‌های آزاد هنر

کلاسهای آموزشی هنر ویژه بانوان
زیر نظر اساتید مجرب دانشگاه

با اعطای گواهینامه معتبر
ترم تابستان ۱۳۸۷

طراحی - رنگ روغن - آبرنگ - دکوراسیون داخلی - پتینه (Faux Finishes)
طراحی لباس - الگوسازی به روش موتر - دوخت - کامپیوتر (Auto cad - 3D Max)
ثبت نام به مدت ده روز

شروع کلاسها: ۸۷/۳/۸ اتمام ترم: ۸۷/۶/۲۰

مدارک لازم جهت ثبت نام:
یک قطعه عکس ۴×۳ - یک برگ فتوکپی شناسنامه - تکمیل فرم ثبت نام - اصل و کپی فیش بانکی به حساب شماره ۲۱۷۷۱۳۹۰۱۵۰۰۶ بانک ملی شعبه الزهرا(س)

ضمناً کلاسهای فوق شعبه دیگری در تهران و شهرستانها ندارد و هرگونه فعالیت و صدور گواهینامه غیر از دانشگاه الزهرا فاقد اعتبار است.

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، نبش خیابان ۱۶آذر، پلاک ۱۲۴، ساختمان کمال الدین بهزاد، طبقه دوم
تلفن: ۸۸۹۶۳۹۰۱ و ۸۸۹۶۱۸۹۳

۶/۲۶۷

سازمان هواشناسی کشور

تجدید آگهی مناقصه

موضوع مناقصه:
مرمت و آسفالت پشت بام ساختمان های مرکزی
سازمان هواشناسی کشور

مهلت و محل دریافت و تحویل اسناد: ده روز پس از انتشار آگهی به دبیر خانه سازمان واقع در تهران، میدان آزادی، خیابان معراج مراجعه گردد.

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت http://iets.mporg.ir رجوع شود.

فروش از طریق سایت اینترنت رایگان و هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

روابط عمومی سازمان هواشناسی کشور

۶/۲۵۱۵